

عنوان بخش

زبان و ادبیات فارسی

“لطفاً بهت استغاره از مباحث کامل‌تر بخش ادبیات و حتی بخش‌های دیگر، از جمله بخش معارف، هوش ... در صورت نیاز به کتب میزایی که بصورت کامل‌تر و تکرار تست‌های بیشتری از همین انتشارات منتشر شده مراجعه فرمایید.”

دستور زبان فارسی

✓ **تقسیم جمله بر مبنای ترکیب و ساختمان: ۱ - ساده:** معنای جمله تنها با یک فعل کامل می‌شود.
۲ - مرکب: معنای جمله با دو یا چند فعل کامل می‌شود. منظور از جملات مرکب، جملاتی هستند که با حرف ربط وابسته‌ساز می‌آیند، مانند (که، اما، اگر، ولی، چنانچه و ...)؛ در جملات مرکب، به جمله‌ای که هسته‌ی اصلی جمله بوده و دربرگیرنده‌ی معنای اصلی جمله است **جمله‌ی پایه** و به جمله‌ای که بعد از حروف ربطی می‌آید و توضیحی که درباره‌ی جمله‌ی پایه است، جمله‌ی پیرو می‌گویند،

مانند: **سر آن ندارد امشب که بر آید آفتابی**

جمله‌ی پایه جمله‌ی پیرو

✓ **تعریف فعل:** هر جمله‌ای با فعل کامل می‌شود، یعنی فعل جزء لازمه‌ی تشکیل جمله است.

✓ **زمان افعال:** فعل برحسب زمان وقوعش به ۱- ماضی؛ ۲- مضارع و مستقبل تقسیم می‌شود.

نکته‌ی پررنگ: برای ساختن فعل در زمان‌های مختلف لازم است، بن ماضی و بن مضارع را بشناسیم، **بن ماضی** از مصدر فعل با حذف «ن» ساخته می‌شود؛ مانند: **شنیدن** → **شنید**، و **بن مضارع از فعل امر** با حذف «ب» ساخته می‌شود؛ **بیاور** → **آور**.

انواع فعل ماضی

۱- ماضی ساده (مطلق)	بن ماضی + شناسه» ← رفتم، رفتی، رفت
۲- ماضی استمراری	«می + بن ماضی + شناسه» ← می‌رفتم، می‌رفتی، می‌رفت
۳- ماضی بعید	«بن ماضی + ه + بود + شناسه» ← رفتم بودم، رفته بودی، رفته بود
۴- ماضی نقلی	«بن ماضی + ه + الف و شناسه» ← رفتم‌ام، رفته‌ای، رفته است، رفته‌ایم، رفته‌اند.
۵- ماضی التزامی	«بن ماضی + ه + باش + شناسه» ← خریدم باشم، خریده باشی، خریده باشید، خریده باشیم، خریده باشند.
۶- ماضی مستمر یا ملموس	«داشت + شناسه + می + بن ماضی + شناسه» ← داشتم می‌رفتم، داشتی می‌رفتی، داشت می‌رفت، داشتیم می‌رفتیم، داشتید می‌رفتید، داشتند می‌رفتند.
۷- ماضی ابعاد	«ماضی نقلی + ماضی بعید» ← خرده بوده‌ام، خرده بوده‌ای، خرده بوده است، خرده بوده‌ایم، خرده بوده‌اید، خرده بوده‌اند.
۸- ماضی نقلی مستمر	«ماضی نقلی + استمراری» ← می‌رفته‌ام، می‌رفته‌ای، می‌رفته است، می‌رفته‌ایم، می‌رفته‌اید، می‌رفته‌اند.



انواع فعل مضارع

۱- مضارع ساده	«بن مضارع + شناسه»: دارم، داری، دارد ...
۲- مضارع اخباری	«می + بن مضارع + شناسه»: می‌خورم، می‌خوری، می‌خورد ...
۳- مضارع التزامی	«ب + بن مضارع + شناسه»: بخورم، بخوری، بخورد ...
۴- مضارع مستمر	«دار + شناسه + می + بن مضارع + شناسه»: دارم می‌خورم، داری می‌خوری، دارند می‌خورند ...

✓ نحوه‌ی ساختن فعل مستقبل «خواه + شناسه + بن ماضی» خواهیم خورد، خواهی خورد، خواهند خورد ...

نکته‌برتر: بهترین راه برای یاد گرفتن زمان افعال، به ذهن‌سپاری چند شناسه است که مختص به آن هاست، می‌باشد؛ برای نمونه: در زمان ماضی استمراری «می»، ماضی بعید «بود»، ماضی نقلی «(أ) ماضی التزامی «باش) ماضی مستمر «داشت) ماضی ابعد «نقلی + بعید) نقلی مستمر «نقلی + استمراری»، مضارع اخباری «(می) مضارع التزامی «(ب) و مستقبل «(خواه).

✓ یادآوری: همه‌ی فعل‌های دعایی که همراه با «الف» دعایی هستند، جزء مضارع التزامی محسوب می‌شوند.

✓ وجوه افعال: منظور وجه افعال همان بیان وقوع کار یا دربرداشتن و پذیرفتن حالتی است که شامل:

- ۱- وجه اخباری: وقوع یا عدم وقوع کاری را به طور قطعی و یقین خبر می‌دهد. معلم امروز نیامده است.
- ۲- وجه التزامی: وقوع یا عدم وقوع آن و داشتن و پذیرفتن حالتی همراه با شک و تردید و آرزو. مانند: شاید استاد امروز آمد.

۳- وجه امری: انجام گرفتن یا انجام نگرفتن کاری خواسته و امر می‌شود؛ مانند: برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن ...

نکته‌برتر: به‌جز فعل مضارع التزامی و ماضی التزامی و امر، فعل‌های دیگر در وجه اخباری به کار می‌روند.

فعل معلوم و مجهول:

■ جمله‌ای (فعلی) که فاعل آن معلوم است، جمله‌ی معلوم و جمله‌ی فعلی که فاعل آن مشخص نیست، جمله‌ی مجهول می‌گویند.

✓ برای تبدیل فعل معلوم به مجهول: ابتدا فاعل را حذف و مفعول را به جای آن قرار می‌دهیم، شناسه‌ی مفعول که معمولاً «را» می‌باشد، حذف شده و خود فعل هم به صفت مفعولی (بن ماضی + ه) تبدیل می‌شود و در نهایت از فعل «شدن» به عنوان فعل کمکی برای فعل استفاده می‌کنیم؛ مانند: علی کتاب‌هایش را خواند. (معلوم) و کتاب‌ها خوانده شد. (مجهول)

✓ افعال گذرا و ناگذر: (متعدی و لازم) و صورت دیگر افعال:

■ همه‌ی فعل‌ها به فاعل نیاز دارند تا متضمن یک جمله‌ی بامعنا و مفهوم باشند؛ اما برخی از افعال علاوه بر فاعل به مفعول هم برای کامل شدن نیاز دارند، به این دسته از افعال گذرا به مفعول یا متعدی می‌گویند؛ مانند: شنیدن، نوشتن، خوردن و ...

نکته‌پرتره: در افعال گذرا به مفعول همواره این سؤال وجود دارد «چه کسی را یا چه چیزی را» پاسخ به این سؤال همان مفعول است، مانند: علی کتاب‌هایش را خواند. علی چه چیزی را خواند؟ کتاب‌هایش را. کتاب‌ها همان مفعول جمله و خواند فعل متعدی است.

علاوه بر لازم و یا متعدی بودن فعل، گاهی فعل (یا جمله) برای کامل شدن و رساندن معنا به مخاطب به اجزای دیگری نیازمند است مانند: متمم، مسند، تمیز ... که در این صورت به آن‌ها برحسب نوع نیاز به کامل شدن گذرا به مفعول، گذرا به متمم، گذرا به تمیز و ... می‌گوییم؛ **با این حساب حدوداً هشت نوع جمله خواهیم داشت:**

- ۱- **فعل گذرا به مفعول** فعلی که نیازمند به مفعول است. علی کتابش را خواند.
- ۲- **فعل گذرا به مسند** فعل‌هایی از مصدر «بودن، شدن، گشتن، گردیدن» این افعال همان افعال ربطی هستند که نهادشان «مسند» نامیده می‌شود. مانند: علی بیمار است.
- ۳- **فعل گذرا به متمم** فعل‌هایی که با وجود متمم کامل می‌شوند، مانند: نیاز داشتن به، جنگیدن با، پیوستن به، ترسیدن از

نکته‌پرتره: ساختمان این افعال به گونه‌ای است که به حرف اضافه‌ای وصل شده و در نتیجه به متمم نیاز خواهند داشت.

- ۴- **فعل گذرا به مفعول و متمم** فعل‌هایی چون خوردن، پوشاندن، گرفتن
- ۵- **فعل گذرا به مفعول و مسند** فعل‌هایی چون، گردانیدن، کردن،
- ۶- **فعل گذرا به مفعول و تمیز** فعل‌هایی چون، تلقی کردن، صدا زدن، نامیدن و
- ۷- **فعل گذرا به متمم و تمیز** فعل‌هایی از مصدر گفتن
- ۸- **فعل ناگذر (لازم) فعلی** که برای کامل شدن به مفعول نیاز ندارد، مانند: گریستن، خندیدن و

ساختار کلمه‌ای فعل

- فعل از لحاظ ساختار به ساده، پیشوندی، مرکب و عبارت فعلی تقسیم می‌شود.
- فعل ساده تنها از یک کلمه ساخته می‌شود؛** مانند: رفت، **فعل پیشوندی از ترکیب «فعل ساده + یک پیشوند»** ساخته می‌شود؛ مانند: فرو رفتیم.
- فعل مرکب از ترکیب «اسم + فعل» ساخته می‌شود،** مانند: گریه کردم.
- عبارت فعلی از ترکیب «حرف اضافه + اسم + فعل» ساخته می‌شود؛** مانند: از دست دادم.
- ☑ **تعریف شبه جمله:** همان‌طور که اشاره شد، یک جمله با وجود فعل کامل می‌شود، اما گاهی اوقات، یک عبارت یا حتی کلمه به تنهایی مفهومی که جمله را می‌رساند؛ و ظاهراً فعل آن جمله حذف شده است، اما در باطن از آن جمله وجود فعل، کاملاً دریافته می‌شود که به آن حذف به قرینه‌ی معنوی می‌گویند، به این نوع از جملات، شبه‌جمله می‌گویند؛ مانند: آفرین!، حاشا!، سلام، مرحبا.

